

پیرامون برگزاری دومین پلنوم کمیته مرکزی

به مناسبت ۷۵- امین سالگرد
پیروزی انقلاب کبیر اکتبر

آرمان های اکتبر

همچنان

زنده است!

صفحات ۴ و ۵

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از برگزاری موفقیت آمیز سومین کنفرانس حزب، در فضایی آکنده از رفاقت و صمیمیت، برگزار گردید. پلنوم پس از استماع گزارشات تشکیلاتی، سیاسی و مالی هیئت اجراییه به بحث پیرامون آنها پرداخت و پس از اصلاحاتی این گزارشات را به تصویب رساند.

پلنوم سپس به بحث و بررسی گزارش هیئت اجراییه دربارۀ اوضاع جهان، اوضاع ایران، بررسی کوتاهی از آرایش طبقاتی جامعه، ارزیابی شرایط مبارزه و اوضاع اپوزیسیون پرداخت و بعد از اصلاحاتی قرار انتشار این سند را به تصویب رساند.

ادامه در ص ۲



ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۸۸، دوره ه هشتم،
سال هشتم، ۱۹ آبان ۱۳۷۱

پیام دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

قیام های مکرر شما، که نمونه های چشمگیر آن را در مشهد، شیراز، اراک، شوشتر، ایذه، هفتکل، بوکان، تبریز و سایر شهرها به نمایش گذاشتید، باردیگر ثابت کرد که صدای مردم میهن پرست و آزادیخواه و عدالت جوی ایران را نمی توان برای مدتی طولانی و به زور سرنیزه خاموش کرد و آنها را از حرکت در سمت

ادامه در ص ۲

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در مقابل شما، که در سخت ترین شرایط ترور و اختناق و سرکوب و در دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی که از سوی حاکمان رژیم "ولایت فقیه" به کشور ما تحمیل شده، به پیکار پیکیر خود در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن مان ادامه می دهید، سرتنظیم فرود می آورد و گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما تقدیم می کند.

پیام دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به زندانیان سیاسی و خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

اکنون حدود ۱۴ سال از زمانی که طوفان خشم مردم ایران طومار رژیم استبدادی گذشته را در هم پیچیده و درهای زندانها را به روی فرزندان مبارز دریند خود بازکرد، می گذرد. با این وجود در این مدت شاهد

ادامه در ص ۲

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین دروهای خود را به شما فرزندان پیکارجوی مردم ایران، به خانواده های شما و به خانواده های فرزندان ایثارگر میهن که جان خود را در راه بهروزی مردم کشور خویش فدا کرده اند، تقدیم می کند.

پیام دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به اصحا و شهادتاران حزب

گام های بزرگی در راه تکمیل روند بازسازی تشکیلاتی و ارتقا سطح مبارزات سیاسی و اجتماعی حزب، که با برگزاری سومین کنفرانس حزب توده ایران آغاز شده بود، برداشت. پلنوم با روحی آکنده از وحدت و یکپارچگی و با احساس تعهد عمیق نسبت به وظایفی که اعضای حزب در کنفرانس به عهده

ادامه در ص ۲

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین دروهای خود را به شما رفقا که در داخل و خارج از کشور، ایثارگرانه پرچم پراقتخار حزب توده ای خود را برافراشته نگهداشته و در راه رهایی مردم میهن از یوغ استبداد مذهبی و قرون وسطایی رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می کنید، تقدیم می کند. با برگزاری این پلنوم، حزب توده ای ما

باز هم ادعاهای بی پایه و دروغ

بدنبال سخنان تحریک آمیز آیت الله جنّتی در نماز جمعه تهران و تهدید آشکار و علنی روشنفکران کشور و ایرانیان مقیم خارج، گروهی از سران رژیم در سخنرانیهای مختلف سعی در خنثی نمودن آثار منفی این تحریکات کردند.

جنّتی در خطبه های نماز جمعه از جمله گفت: "تحمل حزب الله تاحدی است و اگر حزب الله ببیند که کارگزاران احمال می کنند مطمئن باشند که حزب الله احساس وظیفه خواهد کرد...". حملات جنّتی متوجه برگزار کنندگان دولتی نمایشگاه تهران بود که به گفته وی: "در نمایشگاه بین المللی صحنه

ادامه در ص ۲

در دیگر صفحات:

خلاصه ای از سخنان ایگور لیگاجف، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی در دادگاه قانون اساسی

صفحات ۶ و ۷

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

باز هم ادعاهای ...

قانون اساسی اعلام کرد: "استمرار و استحکام اساس کشور به اجرای قانون اساسی متکی است..."

ولی این سخنان "ولی ققیه" و رئیس قوه قضائیه شعارهای توخالی و ادعاهای بی پایه ای بیش نیست. "ولی ققیه" فراموش کرده است که در گذشته نه چندان دوری "حزب الله" به فرمان او و با بهانه "مبارزه با تهاجم فرهنگی" چگونه در کمال بی قانونی زندگی را بر مردم ما مشکل تر کرده و جو فشار، استبداد و اختناق در کشور را دو چندان کردند.

سردمداران رژیم، خود گوی سبقت را در نقض قانون اساسی کشور از همه کس ربوده اند. دستگیری هزاران انسان بیگناه، شکنجه، بیدادگاههای فرمایشی، سرکوب حقوق اقلیت ها و زنان کشور، همگی مخالف قانون اساسی کشور است. رژیم جمهوری اسلامی تمامی جنایات سالهای اخیر خود را متکی بر رهنمودهای "ولی ققیه" و نه بر اساس قوانین مدنی کشور سازماندهی کرده است.

حزب ما پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ در راه به تصویب رساندن یک قانون اساسی مترقی و مردمی تلاش های بسیاری کرد و در این راه موفقیت های چشمگیری نیز کسب کرد، بسیاری از مواد مترقی و انسانی قانون اساسی به همت نیروهای چپ و پیشرو در قانون اساسی گنجانده شده است. ولی قانون اساسی کشور با بودن اصل "ولایت ققیه" بعنوان اساسی ترین اصل آن که در تضاد کامل با حاکمیت مردم و دمکراسی قرار دارد، ورق پاره ای بیش نیست

های زشت غربی مشاهده شد... روزنامه "کیهان" که این روزها نقش چماق مطبوعاتی واپسگراترین گروههای حاکمیت را بازی می کند، نیز ضمن اعتراض شدید به برگزاری این نمایشگاه به چاپ "نامه های" برخی افراد حزب اللهی که با دیدن نمایشگاه "دل شکسته" شده بودند پرداخت و از مقامات مسؤل و از جمله شورای نگهبان خواست تا جلوی این روند را سد کنند.

حتی در همین نماز جمعه هنرمندان و ایرانیان مقیم خارج از کشور را نیز به باد حمله گرفت و آنان را از بازگشت به ایران بر حذر داشت.

بدنبال این سخنان و بالا گرفتن موج اعتراض علیه این سخنان حتی در محافل نزدیک به جمهوری اسلامی، خامنه ای با برگزاری دیداری با شورای نگهبان سعی در آرام کردن اوضاع نمود. وی خطاب به اعضای شورای نگهبان از جمله گفت:

"شورای نگهبان باید راه جلوگیری از تخلف احتمالی دستگاههای مختلف کشور از قانون اساسی را چاره اندیشی کند... تخلف از قانون اساسی به معنای تخلف از حرکت صحیح انقلابی جامعه ماست و همه دستگاههای کشور باید خود را به رعایت اصول قانون اساسی موظف بدانند."

محمد یزدی، رئیس قوه قضاییه نیز در سخنان مشابهی ضمن دفاع از اجرای قانون و

از اینرو برخورد گروههای مختلف جمهوری اسلامی به قانون تنها در چارچوب مانورهای داخلی برای تقویت و تثبیت یک جناح در مقابل جناح دیگر قابل ارزیابی است.

آزادی کشتی، سرکوب و اختناق مشخصه واحد کلیه جناح هایی است که دولت جمهوری اسلامی را اداره می کنند. مردم کشور ما دیرگاهی است که انتظار "مجزه از این امامزاده" را ندارند و با تشدید اعتراضات خود گام مهمی در راه پایان دادن به بی قانونی و طرد رژیم "ولایت ققیه" برداشته اند.

هزار سال زندان و هزارها شهید تقدیم راه آزادی و استقلال میهن نموده، این درد و رنج و این خشم خاموش ناشدنی شما را با پوست و گوشت خود لمس و با تمام وجود با شما احساس همدردی و همبستگی می کند. حزب ما هیچگاه از مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی باز نایستاده و این بار نیز تا رهایی کامل شما عزیزان دریند و برپایی محکمه تاریخی برای کسانی که مردم ایران را از وجود برجسته ترین و میهن دوست ترین فرزندان خود محروم کردند، از پای نخواهد ایستاد.

دور نیست آن روزی که همگی، دست در دست هم، آزادی شما و میهن دریندمان را از چنگال خونریز رژیم "ولایت ققیه" جشن بگیریم و پیروزمندان در سمت ساختن ایرانی آزاد، آباد و مستقل که در آن حقوق انسان ها ارج و جایگاه واقعی خود را پیدا کند، گام برداریم.

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

آبان ماه ۱۳۷۱

پیام به زندانیان سیاسی و خانواده ...

بودیم که حاکمان مستبد و سرکوبگر جمهوری اسلامی با پشت کردن به انقلاب مردم ایران، باردیگر زندان ها را از فرزندان مبارز خلق انباشته و گروه بزرگی از آنان را در میدان های اعدام و یا در زیر شکنجه، به شهادت رساندند. اینان گل های سرسید جامعه ما و کسانی بودند که می توانستند و می بایست با بازوان پرتوان خود، شالوده ایرانی آزاد، آباد و دمکراتیک را پس از انقلاب بهمن بی ریزی کنند.

تردیدی نیست که تاریخ این جنایات عظیم را هرگز براین خائنان به میهن و مردم ایران نخواهد بخشید و در آینده ای نه چندان دور، طومار حکومت جنایت بار حاکمان کنونی را نیز درهم خواهد پیچید و آنها را در محکمه عدالت خلق پاسخگو خواهد ساخت.

حزب توده ایران، که طی بیش از پنجاه سال عمر خود، فزون بر ۶۰

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی ...

پلنوم پس از بحث و اظهار نظر پیرامون نظرات رسیده از سازمان های حزبی درباره آیین نامه اجرایی مقررات کار تشکیلاتی خارج از کشور، به هیئت اجرایی توصیه کرد تا طرح نهایی آیین نامه را با توجه به نظرات رسیده برای تصویب کمیته مرکزی آماده نماید.

دومین پلنوم کمیته مرکزی در بحث های جداگانه ای به بررسی روابط مابین نیروهای اپوزیسیون پرداخت و سیاست عمل حزب را در این زمینه به تصویب رساند. پلنوم همچنین تصمیمات مهمی در زمینه فعالیت تبلیغاتی-

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

آبان ماه ۱۳۷۱

ایدیولوژیک حزب اتخاذ کرد.

پلنوم در پایان با انتخاب هیئت اجرایی و صدور پیام هایی به مردم ایران، زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و رفقای توده ای به کار خود پایان داد.

برگزاری موفقیت آمیز دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب گام مهمی در پیگیری و به اجرا در آوردن تصمیمات سومین کنفرانس حزب توده ایران است.

پیام به مردم ایران

سمت تکامل تاریخ و دستیابی به رهایی ملی یازداشت. قیام های قهرمانانه شما در ماههای اخیر پایه های حکومت سرکوبگرانه رژیم "ولایت ققیه" را از بنیاد لرزاند و آنان را وادار کرد که بار دیگر نقاب فریب از چهره بردارند و علنا به مردم ایران اعلان جنگ دهند. آنها که می دانند عمر حکومت ضد مردمی شان هر روز کوتاه تر می شود، می کوشند تا با "لومپن" و "عامل خارجی" خواندن فرزندان مبارز شما که قهرمانانه در مقابل نیروهای امنیتی و سرکوبگر آنها مقاومت می کنند، این واقعیت را که رژیم "ولایت ققیه" پایگاه اجتماعی خود را در میان مردم زحمتکش کشور از دست داده، مخفی کنند. موج جدید سرکوبی که اخیرا به فرمان "ولی ققیه" تحت نام مبارزه با "تهاجم فرهنگی" آغاز شد و طی آن صدها نفر از فرزندان برومند خلق دستگیر، زندانی یا اعدام شدند، نمونه دیگری از استیصال رژیم "ولایت ققیه" و سند ناتوانی آن در حکومت پر مردمی است که چهره ضدانسانی آن را به خوبی شناخته و از تمکین به آن خودداری می کنند.

هموطنان مبارز!

طی ۱۳ سال گذشته، حاکمان رژیم "ولایت ققیه" کشور ما را به یک ویرانه تبدیل کرده اند. سیاست های آنان اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده، صدها هزار تن از فرزندان خلق را در جبهه های جنگ خانمانسوز نابود کرده، زنان کشور را از ابتدایی ترین حقوق محروم کرده، خلق کرد ... و کارگران و زحمتکشان میهن را از حق مبارزه برای حقوق خود محروم کرده، جوانان کشور را به اعتیاد، بیکاری و محرومیت از آموزش کشانده و بخش بزرگی از هم میهنانمان را در قعر و گرسنگی و بی خانمانی و محرومیت از بهداشت رها کرده است. در این مدت رژیم "ولایت ققیه" هرگونه صدای آزادیخواهانه و عدالت جویانه را با خشونت سرکوب کرده، آزادیخواهان را به زندان ها و میدان های اعدام روانه کرده و یا به ترک وطن وادار ساخته است. امروز بخش عظیمی از نیروی تولیدی و متخصصین جامعه ما به خاطر سیاست های سرکوبگرانه و ضدبشری رژیم

"ولایت ققیه" در خارج از کشور بسر می برند. اکثر این متخصصین افرادی میهن دوست هستند که می خواهند به مردم و کشور خود خدمت کنند. تنها سیاست سرکوبگرانه و تنگ نظرانه رژیم "ولایت ققیه" مانع از بازگشت آنها به میهن و به راه انداختن چرخ های اقتصاد بیمار است. باید حاکمان کشور را وادار کرد تا با تضمین حقوق اولیه انسان ها در جامعه، راه را برای بازگشت این بخش عظیم از نیروهای مولد به میهن بازکنند.

در شرایط موجود جهانی، در حالیکه تعادل نیروهای جهان بطور یک جانبه به نفع آمریکا و متحدانش تغییر کرده و کشورهای امپریالیستی حتی با استفاده از اهرم سازمان ملل در امور داخلی کشورها دخالت کرده و به سرکوب مردم آزادیخواه و میهن دوست، به ویژه در کشورهای جهان سوم پرداخته اند، تنها راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن تکیه بر نیروی لایزال مردم است. امروز، حکومتی که از پشتیبانی مردم خود بهره مند نباشد قادر به تضمین استقلال کشور نخواهد بود و دیر یا زود مجبور خواهد شد برای حفظ بقای خود دست به دامن کشورهای قدرتمند خارجی شود. رژیم "ولایت ققیه" که از پشتیبانی مردم ایران محروم است، از هم اکنون نشان داده است که قادر به حفظ استقلال کشور در مقابل فشار کشورهای بزرگ و قدرتمند خارجی نیست. سیاست گام به گام تمکین رژیم کنونی به خواست های بانک جهانی و انحصارهای بین المللی نمونه گویای این واقعیت است.

حزب توده ایران بارها براین حقیقت که رژیم "ولایت ققیه" سد اصلی راه رشد و شکوفایی جامعه ما است تاکید ورزیده است. امروز باید گفت که تداوم حیات این رژیم استقلال کشور را نیز به مخاطره می اندازد. وقت آن رسیده که نیروهای آزادیخواه و میهن دوست، با تشکیل جبهه ای واحد، دست در دست هم این رژیم قرون وسطایی را که جز ویرانی و سرکوب برای مردم میهن ما ارمغانی نداشته، طرد کنند و راه را برای دستیابی به اهداف والایی که مردم میهن ما در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ دنبال می کردند، بازکنند.

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

آبان ماه ۱۳۷۱

پیام به اعضا و هواداران ...

رهبری منتخب خود گذاشته بودند، تصمیمات مهمی در جهت هرچه فعال تر کردن مبارزات حزب در عرصه های ایدئولوژیک، نظری و سیاسی اتخاذ کرد. پلنوم تلاش فعال در راه ایجاد یک جبهه واحد از نیروهای اپوزیسیون علیه رژیم "ولایت ققیه" و همچنین دفاع از مارکسیسم - لنینیسم، از جنبش کمونیستی و از حزب توده ایران و تاریخ پرافتخار آن را از عاجل ترین وظایف حزب در حال حاضر ارزیابی کرد.

رفقای گرامی!

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب در شرایطی برگزار شد که حکام رژیم "ولایت ققیه"، پس از یک دوره کوتاه از تظاهر عوامفریبانه به تحمل برخی آزادی های محدود فرهنگی و اجتماعی، مجددا ماسک از چهره ضد مردمی خود برداشته و به سرکوب خشن توده های متعرض مردم، تشدید فشار بر زنان میهن و تعرض به نشریات و مطبوعات و فعالیت های هنری و فرهنگی پرداخته است. سرکوب خشن قیام های مردم جان به لب رسیده در مشهد، شیراز، اراک، شوشتر، ایذه، هفتکل، بوکان، تبریز و سایر شهرها، با استفاده گسترده از نیروهای امنیتی، سپاه، بسیج و دسته های مسلح "حزب الله"، بار دیگر نشان داد که امید بستن به هرگونه تحول دمکراتیک در چارچوب نظام "ولایت ققیه"، کاری بس عبث و غیرواقع بینانه است. وقایع اخیر همچنین باردیگر این ارزیابی حزب توده ایران را به اثبات رساند که شرایط عینی طرد رژیم "ولایت ققیه" کشور موجود است، و تنها رمز بقای رژیم ضد مردمی حاکم، نبود شرایط ذهنی، یعنی عدم وجود یک جبهه واحد و متحد و مورد اعتماد مردم، برای سازماندهی سیاسی مبارزات آنها است.

ارزیابی عملکرد برخی از نیروهای اپوزیسیون طی سال های اخیر ما

را بیش از پیش به این نتیجه رسانده است که ریشه های شکست تلاش ها، در تشکیل جبهه واحدی، قبل از هرچیز محصول تنگ نظری ها، خودمحوربینی ها و برخورد های غیرمسئولانه آنها است. پلنوم کمیته مرکزی بر این اعتقاد است که حزب ما باید به این نیروها در مورد عواقب تاریخی و سیاسی این اعمال، که نتیجه ای جز ایجاد تفرقه در بین نیروهای اپوزیسیون، از دست دادن اعتماد توده های میلیونی مردم میهن و در نهایت تطویل عمر جنایت بار رژیم "ولایت ققیه" ندارد، هشدار دهد.

رفقا!

تاریخ در این لحظه وظیفه ای بس ظخیر در مقابل ما و همه نیروهای صادق مخالف رژیم "ولایت ققیه" قرار داده است. امروز رژیم بخش عمده پایگاههای داخلی خود را از دست داده و تنها به اتکای نیروی سرنیزه، سرکوب، شکنجه، اختناق و ترور حکومت می کند.

حزب توده ایران همواره بر ضرورت تشکیل جبهه واحد برای طرد رژیم "ولایت ققیه" تاکید ورزیده و صادقانه در راه ایجاد آن کوشیده است. اکنون زمان آن رسیده که همه نیروهای مخالف رژیم به اهمیت این وظیفه تاریخی پی برده و با پرهیز از سیاست های تفرقه جویانه و تنگ نظرانه، در جهت تشکیل یک جبهه واحد بکوشند.

حزب توده ایران باردیگر آمادگی خود را برای تلاش در جهت ایجاد تفاهم و تشکیل جبهه وسیع نیروهای آزادیخواه و تحول طلب اعلام می دارد و اعضا و هواداران خود را فرامی خواند تا در جهت تحقق این خواست دیرینه مردم ایران، همه تلاش و کوشش خود را بکار گیرند.

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

آبان ماه ۱۳۷۱

آرمان های اکتبر همچنان زنده است!

به این معنا که هر تئوری علمی هنگامی که پدیده ای را کشف کرد و توضیح داد از آن جهت حقیقت نسبی است که دیر یا زود تئوری وسیع تر و کامل تر و عام تری جانشین آن می شود.

مارکسیست ها با چنین درکی است که پدیده ها و از آن جمله پدیده بفرنجی مانند انقلاب اکتبر را بررسی می کنند. ما برخلاف بسیاری از نظریه پردازان سرمایه داری و برخی از نظریه پردازان "چپ" نوین معتقد نیستیم که تحولات سال های اخیر در کشورهای اروپای شرقی و قروپاشی نظام سوسیالیستی در این کشورها مترادف با "مرگ لنینیسم" و دفن آرمان های انقلاب اکتبر بوده است. کسانی که در سال های اخیر ابتدا به بهانه "دگرگونسازی"، اکتبر و آرمان های آن را خجولانه نفی کردند، تا نفی کامل اندیشه های دوران ساز مارکسیسم پیش رفته و در عمل برای خود و میلیون ها انسان فاجعه بزرگی پدید آوردند. اگر مقایسه تاریخی بکنیم، انقلاب کبیراکتبر همان قدر دنیا را تغییر داد که انقلاب کبیر فرانسه در جهان آن روز تحول ایجاد کرد و درست برپایه همین مقایسه اکتبر و آرمان هایش همان قدر شکست خورده اند که آرمان ها و اهداف انقلاب فرانسه با سقوط دولت انقلابی و روی کار آمدن ناپلئون شکست خورد. سرنوشت قعودالیسم که انقلاب کبیر فرانسه ناقوس مرگ آن را به مثابه یک سیستم جهانی به صدا درآورد، شباهت شگرفی با سرنوشت سرمایه داری جهانی و پیام دوران ساز انقلاب کبیر اکتبر و تاثیر آن در جامعه بشری دارد.

بنابراین کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و پیروزی بزرگ بشریت بر فاشیسم که سوسیالیسم و نیروهای طرفدار سوسیالیسم نقش قاطع و تعیین کننده ای در آن بازی کرده اند، علیرغم همه کمبود ها و ناهنجاری هایی که در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی در این کشورها بروز کرد، برای نخستین بار راه متفاوتی از رشد اجتماعی و اقتصادی را در پیش روی جامعه بشری قرار داد و تقلبی بودن این نظریه را که سرمایه داری و سرنوشت محتوم بشریت است به اثبات رساند. اثرات پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در سرتاسر جهان چنان عظیم بود که با بنا شدن نخستین حکومت کارگری جهان، جنبش های عظیم مردمی و آزادیخواهی را به حرکت درآورد و سیستم استعماری امپریالیسم را در سرتاسر جهان در مدت زمان نسبتاً کوتاهی درهم فرو ریخت و بر خرابه های این امپراطوری ها دهمها

کمبودها و نارسایی ها در بسیاری از زمینه های تولیدات صنعتی، کشاورزی و پیشرفت های تکنولوژیک با پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری به رقابت برخاست.

مخالفت با اکتبر و آرمان های آن از همان فردای پیروزی چه از مواضع راست و چه از مواضع "چپ" آغاز گردید. بخش مهمی از نیروهای "چپ" در مخالفت با اکتبر آن را عملی خلاف نظرات مارکس و انگلس و زاییده عملکرد اشتباه لنین و طرفداران او می دانسته و می دانند. این گروه از مخالفان درک نمی کردند و از ازان امروزی آنان نیز تشخیص نمی دهند که لنینیسم تکامل طبیعی نظراتی بود که مارکس و انگلس فرمولبندی کردند و لنین در شرایط بسیار ویژه تاریخی آنان را به بوته آزمایش نهاد و بدین ترتیب نخستین گام در دگرگون ساختن چهره جهان برداشته شد.

دگماتیسم از چپ و از راست قادر به درک دینامیسم حرکت جهان و مارکسیسم نبوده و نیست. اگر مارکسیسم به صورت علم درآمده است، درست به همین سبب است که بنیان گذاران آن دعوی سیستم سازی و آذین آوری نکردند و مدعی نشدند که فلسفه و نظرات آنها مافوق علوم قرار گرفته و از دستبرد زمان و تغییرات مصون و در امان است. ماتریالیسم مارکسیستی خود سراسر فروتنی در برابر علم است. ماتریالیسم دیالکتیک روشن می سازد که واقعیت، تمام نشدنی، بفرنج و لذا دارای جوانب مختلف است و بنابراین هر ساخته علمی موقتی و گذراست و خواه ناخواه جای خود را به ساخته کامل تر، غنی تر، موثرتر و حقیقی تر از خود می دهد. به همین جهت مارکس و لنین همواره عمل و بررسی تجربی را ضابطه اساسی شناخت تلقی کرده و آن را به مثابه یگانه عاملی شناخته اند که می تواند ما را مطمئن سازد که ساخته فکری با واقعیت عینی در انطباق است. لنین در اثر خود ماتریالیسم و امپریوکریسیسم می نویسد: "قطعه نظر زندگی و عمل باید نقطه نظر اولیه و اساسی تئوری شناخت باشد".

مارکس نیز در تزه های مشهور خود درباره فویرباخ همین محتوا را بیان می کند به نظر او ماتریالیسم دیالکتیک، ماتریالیسمی است که در آن "شی، واقعیت و احساسات تنها به شکل عینی در نظر گرفته می شود یا به شکل مشاهده در می آید و نه به صورت فعالیت حسی انسان...".

تفاوت ماتریالیسم دیالکتیک با هر ماتریالیسم دیگری در این اصل نهفته است که برای مارکسیست ها هر حقیقتی، نسبی است،

۷ نوامبر مصادف است با هفتاد و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اکتبر. با پیروزی انقلاب اکتبر برای نخستین بار طلبیه ایجاد جامعه ای نوین، جامعه ای را از استثمار و براساس عدالت و انساندوستی در جهان طلوع کرد و بدینسان دوران نوینی در تاریخ بشریت آغاز گردید.

پیروزی انقلاب اکتبر به رهبری بلشویک ها نخستین گام عملی در چارچوب پیاده کردن نظریاتی بود که مارکس و انگلس سال ها پیش طرح کرده بودند و بعدها توسط لنین تکامل یافته بود.

پیدایش نخستین حکومت کارگری در جهان با هدف از بین بردن روابط سرمایه داری در جامعه عقب مانده روسیه و بنای جامعه سوسیالیستی، هراس عظیمی در دل نیروهای ارجحی در سرتاسر جهان افکند و اکتبر پیروزمند از همان نخستین روزهای تولد با یورش وحشیانه حاکمیت جهانی سرمایه و امپریالیسم روبرو گردید.

انقلاب کبیر اکتبر چرخشی عظیم در تاریخ بشریت به سمت تحول و تکامل بود. پیروزی اکتبر به واقعیت پیوستن این آرزوی مارکس بود که می گفت: "فلاسفه تاکنون جهان را توصیف کرده اند و اینک باید دست به کار تغییر آن شد".

تغییر جهان به سمت عدالت، برابری، انسانیت و جامعه ای را از استثمار انسان از انسان. این اهداف والای انسانی بزرگترین آماج های مارکسیست ها در طول دهه های گذشته بوده و همچنان خواهد بود.

تاریخ نویسان، جامعه شناسان و محققان هرکس با زاویه و انگیزه ای انقلاب اکتبر را بررسی و پیرامون آن اظهار نظر کرده اند. اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که تقریباً همه در یک امر متفق القول هستند و آن این است که اکتبر سرآغاز عصری بود که اثرات آن، تا به امروز نقش عظیمی در حرکت و تکامل جامعه بشری ایفا نموده است.

پیروزی انقلاب اکتبر مهر تاییدی بر نقش شگرف مارکسیسم - لنینیسم در کشف و دریافت قوانین حرکت، تحول و ایجاد آگاهانه محل های نظری و عملی غلبه بر جبر اجتماعی بود. با انقلاب اکتبر بشر دست به تغییر نظام اجتماعی و آفرینش آگاهانه جامعه نوینی زد که با آرمان های دیرینه بشری و آرزوهای امروزی آن توافق دارد. این امر از جمله یک پیروزی عظیم دانش های فلسفی - اجتماعی و انقلابی، یک واقعه بی مانند در سرتاسر سرگذشت پر نشیب و فراز بشری است.

انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن از یک کشور عقب مانده سرمایه داری، ابرقدرتی ساخت که یک تنه توازن قوا در جهان را به ضرر یک تازی امپریالیسم و به نفع نیروهای صلح و ترقی تغییر داد. پیشاهنگ تصرف فضا به دست انسان و جامعه ای ساخت که علیرغم همه



مارکسیسم - لنینیسم از روسیه گرفته تا لیتوانی، اوکراین، چکسلواکی، لهستان، رومانی و بلغارستان و پس از تجربه فاجعه انگیز بازگشت به سرمایه داری و راه افتادن موج عظیمی از تبلیغات منفی این خوشبینی تاریخی را بیش از پیش تقویت می کند.

انقلاب کبیر اکتبر تاثیر عظیمی در کشورهای جهان سوم و از آن جمله کشور ما برجای گذاشت. انقلاب اکتبر در شرایطی پیروز شد که کشور ما عرصه یکه تازی دول انگلیس و روسیه تزاری بود. احیای استقلال و حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران اولین ره آورد ارزشمند اکتبر برای خلق های کشور ما بود. لنین در نخستین بیانیه خود، در مقام صدر شورای کمیسرهای خلق اعلام کرد، "ما اعلام می داریم که قرارداد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است.

اسارت نه از جانب روسیه و دولت انقلابی، بلکه از جانب درندگان امپریالیست یعنی از جانب کسانی که میهن شما را به مستعمره توهین شده و به تاراج رفته خویش مبدل ساخته اند، در انتظار شما است." به دنبال این بیانیه کشور شماها در سال ۱۹۱۹ طی اعلامیه ای از کلیه حقوق و مطالبات و امتیازات دولت تزاری در ایران صرف نظر کرد.

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، اندیشه های مترقی و پیشرو به میهن ما راه یافت و چهره سیاسی کشور را کاملا دگرگون کرد. پیدایش احزاب و گروههای سوسیال دمکرات، حزب عدالت، حزب کمونیست و سپس حزب توده ایران از تاثیرات ممنوی انقلاب کبیر اکتبر در جامعه ما بود. افشاندن بذر اندیشه های انسانی پیرامون عدالت اجتماعی و آزادی، جنبش های عظیمی را در راه دستیابی به این خواست ها سازماندهی کرد.

کوتاه سخن، انقلاب کبیر اکتبر نخستین سنگپایه يك آزمون بزرگ بشری برای پدید آوردن و آفرینش آینده ای بود که با شریف ترین و انسانی ترین آرزوهای دیرینه بشر همخوانی شگرفی دارد. این سنگپایه، جهانی که ما در آن زیست می کنیم را به شکل قطعی دگرگون کرده و هیچ نیرویی توان سد کردن این حرکت بفرنج، بطبعی ولی هدمند جامعه بشری را نخواهد داشت. این خوشبینی تاریخی ما نه براساس آرزوها و ذهنیات مارکسیست ها که براساس فاکت ها و روندهای اجتماعی جامعه بشری

کشور نواستقلال بنا کرد.

جوامعی که با آرمان های اکتبر در سرتاسر جهان تولد یافتند، نخستین ساختارهای اجتماعی بود که در آنها برای نخستین بار مالکیت وسایل تولید دگرگون گردیده و عدالت اجتماعی مهمترین ملاک برنامه ریزی اقتصادی - اجتماعی قرار گرفت. حرکت و تجربیات مثبت این جوامع تاثیر مستقیم بر زندگی مردم در سرتاسر جهان سرمایه داری گذاشت و اندیشه های انسانی همچون بهداشت رایگان، آموزش رایگان، تامین اجتماعی، حقوق کارگران، حقوق زنان و... در صدر مسایل اجتماعی این کشورها قرار گرفت و در زیر فشار توده ها بر خلاف میل سرمایه داری جهانی به آن تحمیل گردید. پورش حکومت های دست راستی در آمریکا، آلمان و بریتانیا به این دستاوردها با هدف نابودی آنها پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپا و اتحاد شوروی به خودی خود مویذ این نظریه است. مبارزه سرسخت و غیرانسانی سیستم جهانی سرمایه داری با صرف هزینه های عظیم و کمرشکن و تحمیل میلیتاریسم و جنگ سرد به جامعه بشری تنها با هدف نابودی نوزادی بود که در ۷ نوامبر ۱۹۱۷ تولد یافته بود و به استقبال سرنوشتی پرشور و پرفراز و نشیب شتافت. لنین و همزمانش خوب می دانستند که پیروزی انقلاب کبیر اکتبر تنها نخستین گام در راهی است که قبل از آن کسی نه پیموده بود و می بایست در دشوارترین لحظات تاریخ بشری در این راه گام گذاشت و مسیر حرکت را برای نسل آینده ترسیم نمود.

بدیهی است که طی کردن چنین مسیر دشوار و بفرنجی نمی توانست خالی از کمبودها، اشتباهات و مشکلات باشد. براساس چنین درکی بود که لنین در سخنرانی خود به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اکتبر از "اشتباهات عظیم" و ندامت کاری ها و ناصحیح درآمدن برخی نظرات اولیه، پیرامون چگونگی ساختمان سوسیالیسم، با جسارت کم نظیری سخن گفت. سیر رویدادها نشان داد که نمی توان نظرات را تنها از کتاب ها برداشت و برتفکر توده ها حاکم کرد و جامعه ای را که روابط ناسالم اقتصادی، فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی سرتاسر آن را فراگرفته است، یک شبه دگرگون کرد.

تحوالات اخیر در اروپای شرقی و سرنوشت فاجعه انگیزی که دامنگیر میلیون ها شهروند این کشورها گردید، نشان داد که چاره ای جز سوسیالیسم برای رهایی بشریت از معضلات کنونی نیست. بی شک ساختمان جامعه سوسیالیستی در آینده، براساس درس آموزی دقیق و علمی از اشتباهات گذشته، دیگر بار با موفقیت بیشتری به پیش برده خواهد شد و امکان تصحیح کج روی و انحرافات گذشته پدید خواهد آمد. روی آوردن توده های عظیم مردم به نیروهای طرفدار

استوار است.

بذرهایی که با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در سرتاسر جهان افشاند شده میلیون ها نفر را به مبارزه ای انسانی و عدالت خواهانه کشانده که در تاریخ بشریت بی سابقه بوده است.

بشریت بهترین، والاترین و انسانی ترین آرمان های خود را در محتوای سوسیالیسم گنجانده است که آرزوهایش را در ساختن فردایی آزاد، پیشرفته و عادلانه تحقق می بخشد. اندیشه و آرمان سوسیالیسم دیگر شبح نیمه قرن گذشته نیست. اینک اذهان میلیون ها و میلیون ها انسان را فراگرفته و خود به نیروی مادی شگرفی مبدل شده است. جشن و پایکوبی سرمایه و ارتجاع در "مرگ" سوسیالیسم خودفریبی و فریبکاری بی زمینه سیستم محکوم به نابودی سرمایه داری است که علیرغم دستاوردهای علمی و فنی با تضاد ویرانگر سرمایه و کار دست به گریبان است. افزون بر این اندیشه سوسیالیسم علمی نه تنها اذهان ارتش عظیم صدها میلیونی انسانی را فراگرفته، بلکه جوامع و کشورهای از جمله چین سوسیالیستی، کوبا، ویتنام و کره را به سوی دستاوردهای امیدبخش تری رهنمون است. مجموعه این بذر بارآور و این نیروی شگرف در زمینه بحران ها و بیماری های لاعلاج سیستم سرمایه داری جایی برای هیچگونه تردید در پیروزی نهایی سوسیالیسم و انتخاب نهایی این یگانه آلترناتیو برای بشریت باقی نمی گذارد.

ریاست محترم، اعضای محترم دادگاه قانون اساسی!

اجازه دهید که من به عنوان شاهد نظر خودم را در مسائل مورد بررسی دادگاه بیان کنم. رئیس جمهور و نمایندگان او در دادگاه چنین عنوان کرده اند که حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب نبوده است، بلکه دولت را بلعیده بود. آیا این چنین است؟

در دادگاه نظری می تواند وجود داشته باشد که فقط در سال های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ پروسه های مثبت در حزب بوقوع پیوسته است، این چنین نیست، ابتدا این طور نیست.

البته قبل از آن در حزب حوادث سنگین و اندوهباری رخ داده است. ولی در همان سال ها پیروزی های واقعا تاریخی بدست آمد.

گواهی می دهم که پس از بیستمین کنکره در حزب اصول رهبری دسته جمعی، برگزاری نوبتی کنکره های حزب، پلنوم های کمیته مرکزی حزب برقرار شد و سطح مشارکت کمونیست ها در زندگی حزب ارتقا یافت...

صدها هزار نفر از شهروندان به لحاظ سیاسی و حقوقی تیره شده بودند... در يك کلام این نسیم تغییرات سیاسی در اجتماع بود که همزمان با سرعت زیاد رشد اقتصادی و نیز بهبود زندگی مردم و اوضاع و احوال بین المللی وزیدن گرفت...

نمایندگان رئیس جمهور در تلاش برای اثبات این مدعا که حزب کمونیست اتحاد شوروی سازمان دولتی بود (به منظور تیره فرامین رئیس جمهور در رابطه با ممنوعیت حزب)، قبل از هر چیز به قرارهای مشترک حزب و ارگان های دولتی تکیه می کنند. آری، این امر واقعیت داشت هرچند قرارها مشترک بودند ولی ارگانهای حزبی و دولتی با سبک ها و شیوه های خاص خودشان عمل می کردند و رهبری حزب با رعایت مرز عملکردهای حزب کمونیست اتحاد شوروی و شوراهای بتدریج نحوه کاربرد قرارهای مشترک را تغییر داد. گواهی می دهم که حزب کمونیست اتحاد شوروی و سازماندهی آن در چارچوب قانون اساسی، قوانین شوروی و اساسنامه خود حزب عمل می کرده است.

در حزب اصل يك نظم، يك قانون برای همه کمونیست ها برقرار شد عضو حزب هنگام نقض قوانین شوروی بوجب اساسنامه حزب پاسخگویی مضاعفی را در مقابل کشور و حزب داشت. آری، مواردی نیز دیده می شد و به چشم می خورد که افرادی از رهبری کمونیست ها که به تبهکاری دست می زدند از پاسخگویی می گریختند. ولی به حساب نهایی بوجب قانون و اساسنامه حزب مجازات می شدند...

اینک به اصل بنیادین حزب کمونیست اتحاد شوروی یعنی مرکزیت دمکراتیک می پردازم که هیچ وجه مشترکی با مرکزیت بوروکراتیک ندارد. این اصل تأکید می ورزد که حزب نه سازمانی دولتی، بلکه سازمانی اجتماعی بوده است. این امر قبل از هر چیز در انتخاباتی بودن و گزارش دهی منعکس می شده است...

خلاصه سخنان ایگور لیگاچف، عضو هیئت سیاسی (۱۹۹۰-۱۹۸۵) و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۹۰-۱۹۸۳) در دادگاه قانون اساسی روسیه

امراست.

از این رو حزب کمونیست اتحاد شوروی، سازمان سیاسی بوده است. به موجب قانون اساسی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه و هسته مرکزی نظام سیاسی آن عمل می کرده است، نه به عنوان سازمانی دولتی. حزب کمونیست اتحاد شوروی امور سازمان های دولتی و اجتماعی را از طریق کمونیست ها و گروه های کمونیست در این سازمان ها، ضمن متمرکز ساختن نیروها و امکانات کشور برای انجام وظایف عمده و بخاطر بهبود زندگی مردم، هدایت می کرده است. این ادعا که حزب کمونیست اتحاد شوروی کشور را به ورطه ورشکستگی کشانیده است، نیز ادعایی دروغین است.

در اظهارات نمایندگان رئیس جمهور و فرمان رئیس جمهور آمده است که حزب کمونیست اتحاد شوروی کشور را به "بن بست تاریخی" کشانده است. این تصور بی پایه را سخنگویان حزب کمونیست اتحاد شوروی در دادگاه رد کردند. مایلم فقط اضافه کنم که دستاوردهای درخشان دارای اهمیت عام بشری و به مقیاس جهانی متعلق به حزب کمونیست اتحاد شوروی و مردم شوروی است. کشور ما دویار جهان را از فاجعه های استبداد فاشیستی و جنگ هسته ای نجات داده است.

ایجاد اتحاد شوروی کثیرالمله سهم عظیمی در فرهنگ جهان بجا گذاشت. در عین حال همه این دستاوردهای مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، بدون داشتن مستعمرات و بدون استثمار و ستم بر خلق های دیگر کشورها حاصل شده است. راستی آن ارزش بزرگی را که برجسته ترین رجال دولتی و اجتماعی قرن بیستم به اتحاد شوروی به حزب کمونیست اتحاد شوروی و به شخص لنین داده اند (در حالی که خود طرفدار کمونیزم نبودند)، چگونه می توان ارزیابی کرد؟ می گویند ترانه را نمی توان از کلماتش جدا کرد.

پس در این مورد چه باید کرد؟

آیا درست است که این گفته ها را هم بی اعتبار بدانیم؟

اظهارات نمایندگان رئیس جمهور در دادگاه، مبنی بر اینکه "نظام اقتصادی تحت رهبری حزب ویران شده است" سرتا پا دروغین و هدف آن تلاش دمکرات ها برای انداختن گناه کار ویرانگر دولت بکردن کمونیست هاست.

ارقام و آمار حاکی است که طی دوران پس از جنگ، صنایع کشور تولید محصولات خود را بیست و چهار برابر افزایش داد و درآمد ملی شانزده برابر افزایش یافت.

در نتیجه گذار، بخشی از رهبری، در درجه اول گاریاچف، به موضع رویزیونیسم راست و حرکت در مسیر انحلال حزب کمونیست گام برداشتند، نوسازی حزب با مانع روبرو شد و راه را برای تجزیه طلبی ملی و ضدیت با کمونیسم هموار کرد.

این دسته افراد در امور مربوط به نهاد ریاست جمهوری و حتی در مقطعی در ترکیب هیئت سیاسی، به مواضع و موقعیت حساسی دست یافته بودند.

در سال ۱۹۸۸ به منظور بهبود فعالیت کمیته مرکزی و جلب هرچه فعالتر اعضای آن به امور مربوط به این ارگان، کمیسیون هایی در رابطه با جهات اصلی سیاست های حزب سازماندهی شد، از آن هنگام طرح های عدیده اسناد سراسری حزب مقدما در کمیسیون های کمیته مرکزی تدوین می شد و سپس به پلنوم ها ارایه می گردید...

هنگام تدارک پلنوم های کمیته مرکزی نظرات پیشنهادی برخی متخصصان، کارکنان فرهنگ و علوم، ارگان های محلی، سفارتخانه های شوروی دربارہ مسایل مورد بحث و تصمیم گیری کمیته مرکزی، پرسیده می شد...

اکنون که تمام سیستم نظام اجتماعی دگرگون می شود، مالکیت خصوصی برقرار می شود، قیمت ها را آزاد گذارده اند هیچ يك از رهبران روسیه ضرور نمی دانند از نظر مردم آگاه شوند و یا اینکه اینگونه مسائل را در جلسات مجامع زحمتکششان مطرح سازند. اما هنگامی که شهروندان به حفظ و نگاهداری اتحاد شوروی رای می دهند بر خلاف این رای، آن را نابود می کنند. حکام جدید آن قدر اقدامات غیر قانونی انجام داده اند که شاغلین دادگاه قانون اساسی از جمله نادر اشخاصی هستند که آنها را بیکاری تهدید نمی کند.

بجاست که اینجا، در این دادگاه یادآور شوم که خود حزب در گذشته تلفات بزرگی، به خاطر بی قانونی و زورمداری، داده است، در همین رابطه مایلم یادآور شوم هنگامی که در سبیری و مسکو کار می کردم با کمونیست هایی روبرو شدم که بر خلاف بوقلمون صفت های کنونی پس از برائت و آزادی از زندان طی ده - پانزده سال تا پایان زندگی خود صفوف حزب را ترك نکفتند. از این قبیل افراد هزاران نفر بودند.

آقایان دمکرات! آیا در مورد چنین پدیده ای هیچ اندیشیده اید، واقعیت بسیار جالبی است که حاکی از نیروی عظیم جاذبه حزب کمونیست اتحاد شوروی است. اینکه میلیون ها کمونیست پس از ممنوعیت حزب کمونیست اتحاد شوروی کارت حزبی خود را حفظ کرده اند، حق عضویت می پردازند، مطبوعات حزبی را منتشر می سازند نیز گواه بر این

من خوب به خاطر دارم که در نخستین سال های دگرگونسازی ۱۹۸۹-۱۹۸۵ حجم محصولات صنعتی و کشاورزی به بالاترین سطح خود رسید، امر ساختمان مسکن نیز رشدی این چنین داشت.

طی این سال ها مردم بالاترین سطح زندگی خود را داشته اند، وضع رو به بهبودی می رفت زیرا نوسازی جامعه برپایه سوسیالیسم و در چارچوب نظام شوروی، به پیش گام بر می داشت.

سپس سیاست دگرگونسازی سمت و سوی سوسیالیستی و دمکراتیک خود را از دست داد و روند بازگشت به نظام بورژوازی در پیش گرفته شد. "نوادیشان" و دمکرات ها کار کشور را به اینجا کشاندند.

نمایندگان رئیس جمهور در جریان دادگاه، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست ها را متهم می کنند که در امر به اصطلاح فرم کارشکنی می کنند.

حقیقت امر این است که کار "فرم" به علت دیگری پیش نمی رود، اولاً آنچه انجام می شود فرم نیست بلکه بازگرداندن کشور به سرمایه داری صد سال قبل است. در واقع امر رفرمیسم به مثابه جهان بینی و سیاست، مجموعه دگرگونی هایی است که بدون تغییر مبانی نظام اجتماعی صورت می گیرد و حال آنکه فرم های کنونی در جهت جانیشینی و تخریب پایه های نظام شوروی عمل می کنند. ثانیاً، آن چنان فرمی مطلوب شناخته می شود که سازنده باشد. اینک عملاً زندگی روز بروز بدتر می شود، مالکیتی که بدست مردم بوجود آمده است از طرف بورژوازی تازه به دوران رسیده، که دولت خود را محافظ منافع آن می داند، خریده می شود. طبیعی است که زحمتکشان مقاومت نشان خواهند داد و این مقاومت به سرعت رشد خواهد کرد. سیاست دولت رقص بر فراز آتشفشان و ضیافت در هنگامه طاعون را به یاد می آورد.

تخریب حزب کمونیست اتحاد شوروی از چه هنگام آغاز شد؟

معمولاً انحلال حزب کمونیست اتحاد شوروی را با حوادث اوت ۱۹۹۱، هنگامی که حزب عملاً ممنوع شد، در پیوند می دانند، در واقع من گواهی می دهم که سرکوب حزب کمونیست اتحاد شوروی خیلی پیش از این آغاز گردید. مطبوعات راست رادیکال به تاریخ حزب و کشور شوراها حمله می بردند، آن را لجن مال می کردند، سازندگان و مدافعان میهن یعنی میهن پرستان و انترناسیونالیست ها را به تمسخر می گرفتند. دمکرات های دروغین علیه رهبران کمونیست، نویسنده گان، دانشمندان تحریک می کردند و در خیابانها و میدانها زیر هلله اشخاصی مانند دورانی که در جمع آمدهای نوگورود عمل می شد، سرنوشت رهبران استانها، شهرها و نواحی را تعیین می کردند. بارها تلاش شد که افرادی از رهبری سیاسی کشور یا تهمت و اقترا آلوده شوند... اخیراً دروغ شاخنداری شایع کرده اند که گویا اعضای هیئت سیاسی داریایی در خارج از کشور دارند، مطمئناً اعضای هیئت سیاسی که کمونیست باقی مانده اند در خارج از کشور هیچ نوع مالکیتی ندارند، آنها برای خود خانه های ییلاقی نساخته اند زیرا برخلاف

رهبران فعلی و اطرافیان آنها معتقدند که ابتدا باید زحمتکشان را به لحاظ مسکن تامین کرد و پس از آن به ساختن خانه ییلاقی شخصی پرداخت، بطور کلی آنچه درباره پول های مخفی، طلا و الماس های حزب گفته می شود چیزی نیست جز دروغ پردازی های شرورانه حقه بازان سیاسی.

بالاخره، در خود حزب افرادی دغل بیکاری ویرانگر در جهت سایش پایه های آرمانی و سازمانی پرداختند، در صفوف حزب فراکسیون ها و دسته بندیهایی با نظرات سوسیال دمکراتیک و تجزیه طلبانه ملی بوجود آمد.

تطویل کار جلسات هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست توسط دبیر کل ضربه مهلکی برآمور جاری حزب وارد ساخت.

خواست های سازمان های حزبی مسکو، لنینگراد، کیف و دیگر سازمان های حزبی، یادداشت های من به هیئت سیاسی درباره ضرورت دعوت پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی برای بررسی مساله وحدت حزب و تمامیت کشور از اعضای کمیته مرکزی پنهان نگاه داشته شد (این یادداشت ها اکنون منتشر شده اند). در سال های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی از کار تدوین سیاست های عمده، از جمله مسایل سرنوشت سازی مانند گذار به اقتصاد بازار، غیر دولتی کردن مالکیت برکنار ماند، این قبیل مسایل نقطه هنگامی در کمیته مرکزی مطرح می شدند که قبلاً درباره آنها تصمیم گرفته شده بود.

فرمانهای رئیس جمهور در مورد ممنوع کردن حزب کمونیست اتحاد شوروی آخرین اقدام در تلاشی حزب کمونیست بود که حرکتی ضد قانون اساسی است. شایان ذکر است که این فرامین به ابتکار همان نیروهایی صورت گرفت که حزب را ویران ساختند. من خود را گناهکار می دانم که از همه امکانات برای جلوگیری از تغییر مشی سیاسی کشور استفاده نکردم.

عواقب وخیم ممنوع کردن حزب کمونیست اتحاد شوروی

برای ارزیابی درست فرامین رئیس جمهور باید عواقب آن را به حساب آورد. اطمینان دارم که اگر حزب کمونیست به فعالیت خود ادامه می داد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جنگ بین ملت ها و فقیر شدن توده های مردم به وقوع نمی پیوست. بویژه لازم بتذکر است که علت ممنوع ساختن حزب در نقض مقررات حقوقی نبوده، بلکه در آن است که حزب، با موضع گیری در جهت فرم اجتماع، امکان انحلال اتحاد شوروی، در هم شکستن نظام سوسیالیستی و به عقب کشاندن کشور به سمت سرمایه داری و به فقر و فاقه کشاندن اکثریت مردم را، به ضد کمونیست ها نمی داد. توجه کنید کسی که حزب کمونیست اتحاد شوروی را ممنوع ساخت همان کسی است که باعث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد. و به این ترتیب سنگین ترین جنایت قرن را مرتکب شد. نظریات، رئیس جمهور قزاقستان در مصاحبه ای با روزنامه "نی زا ویسمایا گازتا" در تاریخ ۶ ماه مه ۱۹۹۲ چنین می گوید: "بدون روسیه سند بلوژسکایا نمی توانست باشد و بدون روسیه اتحاد شوروی از هم

پاشیده نمی شد". مردم کشور زمان های دیگری را نیز به خاطر دارند، هرکس می تواند آنچه که هنگام در قدرت بودن کمونیست ها و آنچه را که در زمان دمکرات ها و ضد کمونیست ها بر آنها گذشته و می گذرد، باهم مقایسه کند. علت رنج ها و عذاب مردم و بحران فراگیر اجتماع در تغییر سیاست، در تخریب نظام سوسیالیستی، در حرکت کشور بسوی سرمایه داری است. ممنوع کردن حزب کمونیست اتحاد شوروی موجب محدودیت دمکراسی، نابودی حرکت بسوی سیستم چند حزبی، خفه کردن مطبوعات اهوژیسیون و محروم ساختن مردم از حقوق و آزادی های آن است. آیا مصادره اموال حزب کمونیست اتحاد شوروی، که نسل های کمونیست بوجود آورده اند، نقض قانون اساسی در مورد حق مالکیت شهروندان نیست؟

ضمناً هنگامی که در لنینگراد بودم متوجه شدم که کمونیست ها می دانند که اموال آنها به چه کسانی منتقل شده است. همین عمل در نقاط دیگر نیز به وقوع پیوسته است، آنطور که معلوم است داریایی های حزب مورد استفاده بورس بازان، ماموران همچون قارچ از زمین رویداده، موسسات و حتی خدمه کشورهای خارجی قرار گرفته است. این در حالی است که حکام جدید اعلام کرده اند که داریایی حزب بِنفع مردم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. علاوه بر این قطع اجباری فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی موجب تعمیق شکاف درون اجتماع شده است.

در کشور دعوت آشتی از سوی دمکرات ها شنیده می شود و خود رئیس جمهور درباره لزوم پشتیبانی سرتاسری از مشی سیاسی سخن می راند. سوال می شود گردهمایی بر چه پایه ای و بخاطر چه هدفی؟

هنگامی که حزب چند میلیونی ممنوع شده است از کدام تجمع و هماهنگی می توان سخن گفت؟ آیا می توان از وحدت اجتماع سخن گفت در حالیکه بدون در نظر گرفتن خواست مردم، بر خلاف قانون اساسی، نظام اجتماعی تغییر داده می شود؟ آیا سیاست فروپاشی کشور، سیاست فقر و بیکاری وسیع می تواند از طرف مردم مورد پشتیبانی قرار گیرد؟ این توهمی بیش نیست و یک دغلکاری سیاسی است.

به این ترتیب سیاست ضد مردمی ممنوع ساختن حزب کمونیست اتحاد شوروی موجب از هم پاشی کشور، نقض حقوق بشر و تجزیه جامعه شده است...

دادگاه محترم! ریاست محترم!

کمونیست ها هیچگاه اهداف خود را از مردم پنهان نکرده اند، آنها هم اینک نیز هنگامی که حزب ممنوع شده، فعالیت آن تحریف شده بیان می شود و مورد تهمت قرار گرفته است، آشکارا لزوم احیای کشور کبیر اتحاد شوروی، خروج از بحران و در مسیر رشد و تکامل سوسیالیستی قرار دادن آن را همراه آزادی و رفاه مادی و رشد معنوی جامعه اعلام می دارند.

یکپارچگی اکثریت مردم تنها بر این پایه متصور است.

کمونیست های روسیه متحد می شوند!

" طرح نوین برنامه "

پیروزی حزب حاکم

ام - پ - ال - آ (مپلا)

در آنکولا

در انتخابات اخیر آنکولا حزب حاکم (مپلا) و رهبر آن " دوس سانتوز " که مبارزه مسلحانه علیه سیاست نواستعماری پرتغال را رهبری کرده اند، به پیروزی رسیدند.

پس از ۱۶ سال جنگ داخلی که به قیمت جان ۵۰۰۰۰ نفر تمام شد، اکثریت مردم آنکولا به پایان خونریزی رای دادند. زمان انتخابات در ماه مه ۱۹۹۱ بین طرفین درگیر در جنگ تعیین شده بود.

اگرچه ۱۹ لیست انتخاباتی برای ۲۲۲ کرسی "مجمع ملی" و ۱۱ کاندید برای مقام ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند، مبارزه انتخاباتی اصلی بین "مپلا" از یک سو و از سوی دیگر سازمان دست راستی "اونیتا" تحت رهبری "یوهانس ساویبی" که سالیان دراز از جانب آمریکا در اتحاد با آفریقای جنوبی حمایت می شد، در جریان بود. ساویبی که حتی مجله آمریکایی "جهان خبر و رپرتاژ" از او به عنوان "دیکتاتور در لباس آزادیخواه" نام برده است، در این انتخابات شکست خورد.

هنگامی که نتیجه شمارش نه دم آرا به میزان ۵۱ درصد برای "دوس سانتوز" و ۴۹ درصد برای "ساویبی" اعلام گردید، (لازم به تذکر است که ۸۰۰ ناظر بیطرف بین المللی از انتخابات برداشتی "عادلانه و بدون درگیری" داشته اند.) رئیس "اونیتا" ادعا نمود که در شمارش آرا تقلب شده است و بایستی انتخابات باطل اعلام گردد. همزمان با این ۱۱ نفر از ژنرال هایش را که اخیراً در "ارتش ملی" جای گرفته بودند، فراخوانده و هوادارانش را به حالت "آماده باش کامل" در آورده است.

بدین صورت خطر شمله ورشدن دوباره جنگ داخلی افزایش می یابد، دلیلی دیگر براین حقیقت که مدافعان "انتخابات آزاد" تنها زمانی به اصول پایبند هستند که افراد مورد نظر خودشان در بالا جای بگیرند.

گروه های تاکتیکون بوجود آمده را متحد سازد. در این طرح هدف اصلی "بازگرداندن کشور به راه رشد سوسیالیستی و ایجاد دوباره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" بیان شده است.

نویسندگان طرح جدایی خود را از آخرین رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و سیاستمداران فعلی روسیه که در زمان خودشان بلااستثناء از کادرهای رهبری حزب کمونیست بودند، اعلام کرده اند. در طرح چنین آمده است: "حزب کمونیست گوریچف و یلتسین، یاکولف و شواردنازه، کروچکو و استکور، بورویس و شخرای دیگر وجود ندارد."

همچنین طرح برنامه گوریچف برای حزب کمونیست اتحاد شوروی به عنوان طرحی که به پیروزی اعتقادی ندارد ارزیابی شده است، زیرا گوریچف "درواقع مبارزه سیاسی کمونیست ها را فلج کرد."

نویسندگان طرح هدف خود را "تغییر بنیادی مسیر رفرف ها" در جهت "رشدی سوسیالیستی" بیان نموده اند. حزب نوین می بایستی اهداف خود را با روش های منطبق با قانون اساسی بدست بیاورد. این امر "مهمترین آموزشی است که از اشتباهات رهبری های مختلف حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آمده" در بخش ویژه بایستی مورد بررسی قرار گیرد. زمینه اصلی چنین تلاش هایی به منظور متحد نمودن جنبش های مختلف کمونیستی این واقیقت است که بر اثر ژرفش بحران اقتصادی و فقر روزافزون مردم، اعتماد از یلتسین سلب شده و انتقاد از او بالا گرفته است.

کمونیست ها ("در زمان آنها حداقل تا همین اجتماعی وجود داشت") دوباره به آرامی وجهه کسب می کنند. در یک نظرخواهی در ماه ژوئن، ۴۰ درصد از فرمان یلتسین در رابطه با ممنوعیت حزب کمونیست اتحاد شوروی حمایت می کردند، در حالی که در ماه اوت این میزان به ۲۰ درصد کاهش یافت. همچنین ۳۰ درصد احتمال می دادند که حزب کمونیست دوباره به قدرت برسد.

چندی پیش نمایندگان کمونیست با تعلقات حزبی گوناگون یک فراکسیون قوی در شورای عالی روسیه تحت نام "فراکسیون کمونیست های روسیه" بوجود آورده اند. این نمایندگان حداقل در بخش مبارزه پارلمانی نشان داده اند که درک آنها در مسایل تاکتیکی و فعالیت سیاسی زیاد از هم دور نیست.

نزدیک به ۱۰۰ نماینده از گروه های مختلف کمونیستی در روسیه و برخی جمهوری های دیگر در جلسه مشاوره ای در مسکو که از سوی "حزب کمونیست کارگران روسیه" سازماندهی شده بود، شرکت کردند. خبرگزاری رسمی "ایتار - تاس" این جلسه را چنین ارزیابی نمود: "گامی مهم در راه نزدیکی و احتمالاً اتحاد کمونیست ها."

ریچارد کوسولوف، عضو کمیته مرکزی "حزب کمونیست کارگران روسیه" زمان وحدت سازمانی را هنوز خیلی زود می داند. او اما معتقد است که: "این نظر که حزبی واحد را پایه گذاری کنیم در نهایت دست بالا را خواهد گرفت."

دیگر شرکت کنندگان در جلسه چنین موضع گام به گام و آهسته ای را نداشتند. آنها از ایده وحدت کمونیست ها در یک حزب واحد نوسازی شده با نام "حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" حمایت می نمودند. تشکیل کمیته سازماندهی "به منظور سازماندهی بیستمین کنفرانس سراسری ح. ک. ا. ش." از نتایج این اجلاس بود. سخنگوی این کمیته "ولادیمیر مارکوف" علت اصلی این کار را چنین بیان داشت: "اکثریت اعضای سابق ح. ک. ا. ش. خود را هنوز به عنوان عضو این حزب احساس می کنند."

تحرك این جنبش به واسطه انتشار "طرح برنامه نوین" در روزنامه "پراودا" افزایش یافت. به عقیده مارکوف این طرح نه تنها تلاشی در جهت بازسازی حزب کمونیست اتحاد شوروی است، بلکه همچنین آغاز جنبشی کمونیستی است که می بایستی تمامی

تصحیح و پوشش

در شماره ۳۸۶ "نامه مردم" صفحه ۷، ستون اول، انتهای پاراگراف سوم قفل می شود اشتباهی نمی شود چاپ گردیده که بدین وسیله تصحیح می گردد.

کمک مالی رسیده:

قادر از هامبورگ ۱۰۰ مارک

آمریکا تحریم اقتصادی علیه کوبا را تشدید می کند!

مجلس سنای آمریکا اخیراً با اکثریت آرا طرح قانونی را تصویب کرده است که براساس آن تحریم اقتصادی علیه کوبا که به مدت ۲۰ سال ادامه دارد، تشدید می شود. مبتکر این طرح روبرت تورچیلی نماینده حزب "دمکرات" از نیویورک بود.

این قانون که از جانب جرج بوش و کاندیدای ریاست جمهوری "دمکرات ها"، بیل کلینتون قویا مورد حمایت قرار گرفته است، در نظر دارد که "کمک های آمریکا" را به تمام کشورهایی که به کوبا وام می دهند یا به شکلی از اشکال از کوبا حمایت می کنند، قطع کند. این قانون به ویژه علیه دیگر کشورهای آمریکای لاتین به اجرا گذارده می شود که اخیراً روابط اقتصادی شان را براساس سود متقابل با کوبا تحکیم کرده اند.

۲۲ نماینده پارلمان اروها از ده کشور و پنج فراکسیون این پارلمان از جمله "فراکسیون چپ ها" در نامه ای به رئیس کنکره آمریکا "تحریم شدیدی را که آمریکا طی ۲۰ سال علیه کوبا و خلق آن به اجرا گذارده است" را قویا محکوم کرده اند. آنها همچنین طلب نموده اند که قانون "تورچیلی" در شور نهایی از جانب کنکره به تصویب نرسد.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 388

November 10 , 1992

ADDRESS: Postfach 100644 1000 Berlin 10

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال